

##### ● دین حکمت

مطلب دوم این است که باید از جهات زیادی به پیامبر اکرم ﷺ بپردازیم. اینکه ایشان در چه سالی به دنیا آمدند و والدین ایشان چه کسانی بودند و دایه ایشان چه نام داشت، اطلاعاتی است که بسیار خوب است؛ اما آنچه که باعث می‌شود ایشان در جهان به‌عنوان یک شخصیت فاخر شناخته شود، اول رفتار و دوم برنامه‌ها و رسالت پیامبر ﷺ است. در این بحث با توجه به‌عنوان پیامبر حکمت، روی برنامه‌های پیامبر ﷺ صحبت می‌کنم. بهترین منبع برای بیان کردن رسالت و برنامه پیامبر ﷺ که شبهه‌ای هم در سند آن وجود نداشته باشد، قرآن کریم است. لذا باید به قرآن مراجعه کنیم تا ببینیم، قرآن کریم چه برنامه یا رسالتی را برای پیامبر ﷺ تعریف می‌کند، گمان نمی‌کنم، در مطالبی که بیان شد، اختلافی وجود داشته باشد. کسی نمی‌تواند بگوید: پیامبر ولیدالاسلام یا شخصیتی للانسان نیست یا بگوید: قرآن بهترین منبع برای معرفی برنامه و رسالت پیامبر نیست؛ اما اختلاف نظرها از ادامه صحبت شروع می‌شود که همان تفسیر رسالت یا برنامه پیامبر ﷺ است؛ چراکه در این تفسیر افراط و تفریط‌هایی دیده می‌شود و البته هنر باحثان باید این باشد که بتوانند، خط اعتدال و حد وسط را بیابند و مدیریت کنند. امروزه زیاد می‌شنویم که از پیامبر صلح، پیامبر رحمت، پیامبر مهربانی‌ها و ... یا از قالبی به‌نام اسلام رحمانی صحبت می‌شود و در سطح دنیا از این مباحث استقبال می‌شود و در فضای افراط و خشونت، به‌راحتی جا باز می‌کنند. مطلب دوم که از درون همین مبحث سر برمی‌آورد، تفسیر قدرت و اقتدار و اگر مجال داده شود، خشونت است. سال گذشته، بنده بحثی با آقای سروش داشتم و ایشان به‌صورت رسمی تحت عنوان دین و قدرت، واژه پیامبر اقتدارطلب را استفاده کرد. در طول تاریخ این نمونه‌ها زیاد گفته شده و این حرف، مربوط به امروز یا آقای سروش نیست و یا حتی حرفی نیست که طرف مقابل ما بزند. برخی از تفکرات تا جایی پیش می‌رود که حتی گفته می‌شود، ما چیزی به‌عنوان عذاب نداریم یا می‌گویند: مگر خداوند کسی را عذاب می‌کند؟ می‌گوییم: در قرآن از عذاب بحث شده است؛ اما می‌گویند: مدت کمی انسان‌ها گوشمالی داده می‌شوند و به‌تعبیر عرفا الف عذاب می‌افتد و بدل به عذب به‌معنای بهره و گوارایی می‌شود و ممکن است، ما از این بهره خوشمان نیاید؛ اما آنها خوششان می‌آید. مثالی می‌زنند و می‌گویند: خوک در کثیفی رنج نمی‌برد و به‌راحتی در کثیفی زندگی می‌کند. این افراد ممکن است جهنم را همین‌طور معنی کنند و بگویند: ممکن است جهنم کثیف باشد؛ اما برای آنها عذب است و بهره می‌برند و نمی‌توانند، تصور عذاب داشته باشند؛ لذا رسالت پیامبر ﷺ را نیز این نمی‌دانند که بخواهد با انسان‌ها اتمام حجت کند. بنابراین دو نظر مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند؛ اما وقتی به خود قرآن رجوع می‌کنیم، بین آن تفریط و این افراط، حد وسط را می‌بینیم که بنده هیچ نامی را کویتار و رساتر از نام حکمت برای آن نمی‌بینم. زمانی که پیامبر ﷺ را پیامبر حکمت تعریف کردیم، یعنی همه چیز با قوام و اساس بر سر جای خود باقی است؛ چراکه هیچ کاری حکیمانه نیست؛ مگر اینکه سر جای خودش باشد و هر کاری که سر جای خودش باشد، ضد حکمت نخواهد بود. نمی‌توانید مثالی بزنید و بگویید: این کار سر جای خودش و درست بود؛ اما حکیمانه نبود یا به‌عکس، بگویید: این کار درست و سر جای خودش نبود؛ ولی حکیمانه بود. بنابراین در مواجهه با دین و قدرتی که در مباحثه سال گذشته میان بنده و آقای سروش مطرح شد، مسئله دین حکمت را مطرح کردم.

##### ● لزوم نهادسازی در دین

در دنیای امروز روی مسئله نهادسازی خیلی تأکید می‌کنند. این نهاد ممکن است، جایی مانند مسجد باشد. پیامبر اکرم ﷺ در ابتدای کار اقدام به نهادسازی و ساخت مسجد کردند. اولین انحراف نیز این بود که مسجد به کنار رفت و سقیفه به میان آمد و این خطا و انحراف، معمولاً ذکر نمی‌شود. بنابراین اولین اشتباه بزرگ بعد از پیامبر ﷺ جابه‌جایی نهاد مسجد با نهاد سقیفه بود که یک نهاد جاهلیت بود. همچنین نماز جماعت هم یک نهادسازی بود که پیامبر اکرم ﷺ نسبت به آن دعوت و تشویق کردند و حتی نسبت به آن تذخیر کردند؛ چراکه فاصله گرفتن از جماعت یک نوع ارتداد بوده است. یکی دیگر از نهادها اصطلاح‌سازی است. زمانی که مسئله دین و قدرت مطرح می‌شود، چنانچه‌این اصطلاح را درست نمی‌دانیم باید نهادسازی کنیم و بگوییم دین و حکمت با دین و عدالت یا دین و مصلحت. این وجهی بود که انتخاب و دین و حکمت و همچنین پیامبر حکمت مطرح شد. در اصطلاح پیامبر حکمت، جهاد نیز وجود دارد؛ چراکه گاهی جهاد، مصداق حکمت است؛ همچنین دفاع نیز در آن وجود دارد؛ چراکه گاهی اوقات دفاع مصداق حکمت است. همچنین رأفت، رحمت، عطاوت و به‌تعبیر قرآن خلق عظیم در آن وجود دارد؛ لذا به این دلیل پیامبر ﷺ را به‌عنوان پیامبر حکمت نام می‌بریم. امام صادق ؑ نیز همین‌گونه هستند؛ اما در زمان ایشان جهاد یا انقلاب به‌شکل مسلحانه مصداق حکمت نبود. با اینکه می‌دانیم، امام از ناحیه بنی‌الحسن و از ناحیه بصره و از ناحیه خراسان به‌وسیله ابومسلم خراسانی و از ناحیه زیدیه و کوفه و از ناحیه برخی جوانان انقلابی تحت فشار بودند و همه آنها از امام انتظار داشتند، ورود انقلابی مسلحانه داشته باشند؛ اما ایشان مخالفت کرده و یک دانشگاه تشکیل می‌دهند و امام صادق ؑ می‌شود امام حکمت. حال به سراغ قرآن که آن را بهترین منبع دانستیم، می‌رویم. اهدافی که قرآن کریم برای رسالت پیامبر بیان می‌کند، همان اهدافی است که برای همه پیامبران مطرح می‌کند؛ لذا تنها پیامبر ما پیامبر حکمت نبودند؛ بلکه پیامبران، همگی پیامبر حکمت بودند.

ادامه در صفحه بعد



لَهُمُ الرِّحْمَۃُ وُؤَدًا﴾ (مریم، ۹۶)؛ مگر خود به پیامبر وعده نداد که به او مقام محمود و رفعت نام خواهد بخشید: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا﴾ (اسراء، ۷۹) ﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ (انفراح، ۴)

مهم پای به راه نهادن و هیچ نگفتن است؛

گر سرِ رهی میان خون باید رفت!

تسو پای بسه راه در نه و هیچ مه‌رس!

که در آن صورت نام او بسان سخن عشق، در گنبد دوار ماندگار و مانا خواهد شد؛

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

## راز مانایی پیامبر اعظم ﷺ چیست؟

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصیری، استاد درس خارج حوزه علمیه

چگونه یک انسان در حدود ۱۵سده پیش در تاریک‌ترین دوران تاریخ در مقایسه با عصر ما و در منحصر‌ترین محیط فرهنگی در مقایسه با محیط فرهنگی ایران و روم آن روز، در عمری بس کوتاه که تقریباً مجالی برای به تصویر کشیدن خود نداشت و نیافت، این چنین در تاریخ بشری می‌ماند و دین او امروز بزرگ‌ترین دین دنیا شناخته می‌شود و بخش‌هایی زیادی از جهان حتی در کشورهای اروپایی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؟

پیامبر ﷺ چگونه این چنین در اعماق دل و جان پیروان خود نفوذ و تأثیر دارد که پانزده سده پس از ارتحال او، صدها نفر از پیروانش برای دفاع از شخصیت و به عشق و ارادت به او در رخدادهایی همچون ماجرای کتاب آیات شیطانی و انتشار تصاویر موهن در مطبوعات غرب، جان خود را فدا می‌کنند؟ چگونه متصور است که در تمام پهنه تاریخ اسلام از آغاز تا کنون مؤذنان بالای مآذنه‌ها و نمازگزاران در دل نمازهای روزانه خود، با شور و شیدایی او را به رسالت و وارستگی می‌ستایند و دل‌ها به‌نام او انتهاج می‌یابد و چشم‌ها از یاد او اشکبار می‌شود؟ راستی او با میلیون‌ها دل شیفته خود چه کرد و چه نوری در آنان تاباند که این چنین واله و وامدار او هستند و چون پروانه از سوختن به دور شمع وجود او سیر نمی‌شوند؟

آیا به این پرسش مهم، پاسخی جز این می‌توان داد که مانایی در جان‌ها و جاودانی در دل‌ها، زمان، مکان، محیط، ابزار و افراز عصر مدرن‌رته نمی‌شناسد؛ بلکه باید به حقیقت و به کمال و تمام و به‌ظاهر و باطن و به همه وجود و همه هستی ناب و پاک شد و ناب و پاک زیست؛ الهی اندیشید و الهی کوشید و الهی زیست؛ زیباوشانه نفس کشید و زیباوشانه به جان‌ها جان بخشید؟

باری! آن‌کس که جان جهانیان در اختیار او و دل‌ها در قبضه قدرت اوست، می‌داند چگونه چنین بنده نابی را در جهان جاودانه و مانا سازد. مگر خود نفرمود: ﴿إِنَّ الدِّينَ أَمْنًاوَأَعْمَلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

چرا می‌گوییم پیامبر حکمت؟ پیامبر اکرم ﷺ بیشتر مواقع به‌عنوان پیامبر رحمت با پیامبر خاتم توصیف می‌شود. شکی نیست که پیامبر ﷺ شخصیتی متعلق به اسلام هستند. ایشان مؤسس و بانی اسلام هستند؛ اما باید دانست که پیامبر ﷺ مولودالاسلام، مِن‌الاسلام و ولیدالاسلام هستند. ما ابایی نداریم که بگوییم، ایشان شاگردی از شاگردان مکتب اسلام است و ایشان از آنچه که آورده‌اند، درس گرفته و این را در رفتار و گفتار و اندیشه خود پیاده کرده‌اند. البته مِن‌الاسلام بودن پیامبر ﷺ منافاتی ندارد که ایشان، یک شخصیت جهانی باشند.

پیامبر مِن‌الاسلام؛ اما للانسان هستند. افراد بشر صاحب هر آیین باشند؛ حتی افرادی که ماتریالیست هستند، شخصیت و رفتار و رسالت پیامبر ﷺ برای آنها مفید است؛ بنابراین ایشان تنها مخصوص مسلمانان نیستند. با این تفکر، باب جدیدی بروی ما باز خواهد شد. برخی از آیات قرآن مبین شریعت اسلام هستند؛ اما بسیاری دیگر از آیات قرآن، به انسانها اشاره دارند؛ مانند اینکه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتُؤْثِرُوا بِالْعُقُودِ﴾ (المائدۀ ۷) یا می‌فرماید: ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَثْمُلاً﴾ (الاسراء/۳۴) یا می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (المائدۀ ۲۷) یا می‌فرماید: ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا غَدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ (المائدۀ ۸۷). این آیات تنها مخصوص مسلمانان نیست. همچنین نهج‌البلاغه شریف و صحیفه سجادیه نیز همین‌طور هستند. اگر صحیفه سجادیه در اختیار یک بودیست یا هندوئیست یا اهل دیگر مکاتب قرار داده شود، می‌تواند با آن مناجات کند؛ کافی است او به ماورایی معتقد باشد. پیامبر و اهل بیت ؑ به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده‌اند که برای انسانیت پیام داشته باشند. اگر دعای کمیل را یک نفر بپود ی

مدیر حوزه‌های علمیه خواهران عنوان کرد

### اعلام آمادگی برای همکاری با حوزه علمیه هندوستان



مدیر حوزه‌های علمیه خواهران تأکید کرد: ایران

اسلامی تلاش می‌کند، با ارائه فرهنگ صحیح دینی، با تمام توان با تهاجم فرهنگی غرب مقابله کند.

به گزارش خبرگزاری رسا، حجت‌الاسلام والمسلمین فاضل در دیدار جمعی از علما، بزرگان و بانوان فعال حوزی و شیعی هندوستان که در سالن شهید سلیمانی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران برگزار شد، اظهار کرد: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران در ۲۸ استان کشور و در سه سطح علمی ۳۰۲ و ۴ در حال فعالیت است که حاصل این فعالیت، تربیت بیش از ۶۰ هزار فارغ‌التحصیل خواهر و همچنین ۶۰ هزار طلبه در حال تحصیل می‌باشد که خواهران طلبه، در بخش‌های مهم اجتماعی و فرهنگی کشور فعالیت و اثرگذاری دارند.

وی افزود: آماده همکاری با حوزه‌های علمیه هندوستان هستیم و می‌توانیم تجارب حوزه‌های علمیه خواهران در ایران را در اختیار حوزه‌های علمیه خواهران در هندوستان قرار دهیم و در این راستا، نشست‌های تخصصی برگزار کنیم.

مدیر حوزه‌های علمیه خواهران، با اشاره به تهاجم فرهنگی غرب که همه کشورها را درگیر کرده است، ادامه داد: مقابله با این تهاجم با توجه به سیاست‌های هر کشور متفاوت است و ایران اسلامی تلاش می‌کند، با ارائه فرهنگ صحیح دینی با تمام توان با این تهاجم فرهنگی دشمن مقابله کند و با یا ارائه الگوهای صحیح اسلامی و دینی، اثرگذاری این تهاجم‌ها را خنثی نماید.

وی با اشاره به فعالیت‌های علمی ایران در گسترش دین اسلام و تشیع، گفت: در حال حاضر ملیت‌های بسیاری در این کشور مشغول علم‌آموزی و فراگیری علوم دینی هستند تا بتوانند، با حضور در مناطق خود، به ترویج دین اسلام پرداخته و جهانیان را با اسلام واقعی آشنا کنند.

مدیر حوزه‌های علمیه خواهران در پایان تصریح کرد: امیدواریم با اتحاد، یکدلی و استفاده از تجارب هم بتوانیم، خدمات و راهنمایی‌های خوبی را در اختیار حوزه‌های علمیه هندوستان به‌ویژه خواهران فعال در مدارس علمیه خواهران هند قرار دهیم تا بتوانند، عدالت علمی و آموزشی را در حوزه‌ها گسترش دهند.

همچنین در ابتدای این نشست، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمختار حسین جعفری، مدیر حوزه علمیه امام محمدباقرؑ جامو و کشمیر هندوستان، فعالیت تأثیرگذار در این کشور وسیع را نیازمند سیاست‌های پایدار و حمایت‌های مستمر دانست و گفت: قرآن در هندوستان بسیار مهجور بود و بعد از انقلاب اسلامی، از مهجوریت خارج شد و امیدواریم، با همکاری نهاد‌های حوزوی ایرانی این حرکت ادامه پیدا کند.

وی ادامه داد: فعالیت‌های دینی و فرهنگی، فقط با مادیات قابل انجام نیست و لازم است، حمایت‌های معنوی و ارتباطات قوی علمی، فکری و عقیدتی صورت بگیرد تا بتوانیم، فعالیت خوبی داشته باشیم.

محمد ﷺ در ظاهر همان انسان گمنامی بود که بسان هزاران گمنام عصر خود، دوران خردسالی، نوجوانی و جوانی را طی کرد. از قضای روزگار سایه مهر و عطاوت والدین را در همان دوران آغازین حیات از دست داد و یتیمی و غربت را با پوست و استخوان خود چشید.

محیطی که در آن می‌زیست، متوحش‌ترین محیط فرهنگی در عصر خود بود و زمانی که در آن پا به عرصه وجود گذاشت، تاریک‌ترین دوران عصر به حساب می‌آمد؛ دورانی که در آن هیچ اثر روشنی از علم، دانش و تمدن به چشم نمی‌آمد؛ دورانی که هیچ وسیله و ابزار شناخته‌شده امروزین مانند رسانه‌ها برای ثبت رخدادها و بزرگ کردن صداقانه یا کاذبانه چهره‌ها قابل تصور نبود.

پیامبر ﷺ در میان سالی در مکه به پیامبری برانگیخته شد؛ اما در دوران سیزده سال حضور در مکه اجازه چندانی برای بروز و نمودی از اندیشه و منش به ایشان داده نشد. او و همه یاران اندکش در محاصره کامل و در بایکوت خبری کامل نگاه داشته شدند و بارها تا سرحد مرگ و شهادت پیش رفتند. آنگاه که پیامبر ﷺ با رنج جانکاه و خطر فراگیر راهی مدینه شد، در ظاهر شوکت پدید آمد و دوران انزوا و انزاعل به دوران شهود و شکوه تبدیل شد؛ اما چندی نیاپید که از درون جامعه اسلامی پدیده آزردهنده نفاق و از برون هجوم بی‌امان مشرکان و همراهی یهود و نصارا خودنمایی کرد و آرامش و آسایش راز از آن چهره پرتیسم و آرام گرفت تا آنجا که حتی امن و امان در خانه او هم، کمتر یافت شد.

تحمیل ۸۰ غزه و سربه و ماجراهای تلخ هر روزه دوست و دشمن آن قدر فزون و شکننده بود که برای در هم شکستن تاب و توان سلسله‌ای از کوه‌ها کافی می‌نمود. این انسان الهی در این دوران به‌ظاهر طابی مدینه، تنها ۱۰سال فرصت یافت که در لایه‌لای همه افت و خیزها، از خود، خودی نشان دهد و از جلوات بی‌بدیل خود جلوه‌ای اشکار سازد. همه اینها کاری کرد که عمر او به ۶۳ سال نرسد؛ یعنی حدود یک شصتم عمر لقمان و یک چهلیم عمر نوح و یک سوم عمر ابراهیم و یک دوم عمر موسی ؑ و ...